

## تحلیل تفسیری «مَكَانًا عَلِيًّا» با محوریت آیه ۵۷ سوره مریم

زهرا السادات غنی‌پور<sup>۱</sup>

### چکیده

در قرآن کریم به مکان‌های متعددی اشاره شده است که دارای اهمیت و شرافت خاصی هستند. از جمله این مکان‌ها اماکن بهشتی و نعمت‌های آن است. از این اماکن در قرآن کریم به «مَكَانًا عَلِيًّا» تعبیر شده است. عبارت «مَكَانًا عَلِيًّا» که در آیه ۵۷ سوره مریم آمده است یا مقام بلند معنوی است یا عروج به آسمان‌هاست، مقاله حاضر با هدف تبیین تحلیل تفسیری «مَكَانًا عَلِيًّا» با محوریت آیه ۵۷ سوره مریم به روش توصیفی-تحلیلی و با ابزار کتابخانه‌ای به رشته تحریر در آمده است. مهمترین یافته‌های تحقیق بیانگر آن است: تحقیق حاضر با تمرکز بر آیه ۵۷ سوره مریم و تعبیر «مَكَانًا عَلِيًّا» به بررسی معناشناختی و تفسیری این عبارت در بستر آیات قرآن و منابع تفسیری پرداخته و به این نتیجه دست یافته است که مراد اصلی از این تعبیر، جایگاه بلند معنوی و مقامی حضرت ادریس (علیه السلام) نزد خداوند متعال است، نه صرفاً مکانی فیزیکی یا عروجی ظاهری. اگرچه برخی مفسران احتمال داده‌اند که این تعبیر به عروج جسمانی اشاره دارد، اما اکثریت مفسران، به‌ویژه در میان مفسران شیعه، بر این باورند که «مَكَانًا عَلِيًّا» ناظر به مقامی معنوی، مرتبه‌ای از قرب الهی، و جایگاه رفیع نبوت و صدق است که تنها به بندگان خاص الهی اعطا می‌شود.

کلیدواژه: تحلیل تفسیری، سوره مریم، قرآن کریم، مکانا علیا.

---

<sup>۱</sup>. دانش آموخته سطح ۲، مدرسه عالی علمیه فاطمیه (سلام الله علیها). Sydahmadrda45@gmail.com

## مقدمه

عبارت «مَكَانًا عَلِيًّا» به معنای «مقام والا» یا «جایگاه بلند که همان عروج به آسمانهاست»، زیرا خداوند علاوه بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) چهار پیامبر دیگر مانند ادريس، عيسى، خضر و الیاس (علیهم السلام) را به آسمانها برد.

مفهوم دستیابی به جایگاهی متعالی، کمال معنوی، و قرب الهی، یکی از اهداف بنیادین و محوری در تعلیم قرآنی است. قرآن کریم تقوا، ایمان، علم، و عمل صالح را مسیرهایی روشن برای رسیدن به این جایگاه والا معرفی می‌کند. ضرورت این دستیابی، نه تنها در تأمین سعادت و آرامش حقیقی در دنیا، بلکه به طور اساسی در رستگاری و سعادت جاودانه در آخرت نهفته است. انسان با تلاش برای رسیدن به این «مکان علیا»، در واقع به اوج کمال انسانی خود دست یافته و وظیفه خلیفه‌اللهی خود را به شایستگی ایفا می‌نماید. بنابراین، تلاش برای دستیابی به این جایگاه رفیع، نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت برای هر انسانی است که در جستجوی معنای حقیقی زندگی و سعادت ابدی است.

سوره مریم نوزدهمین سوره و از سوره‌های مکی قرآن است که در جزء شانزدهم قرآن جای دارد. پیام اصلی این سوره بشارت و انذار است که در قالب داستان‌هایی از پیامبران از جمله داستان حضرت زکریا (علیه السلام)، یحیی (علیه السلام)، ابراهیم (علیه السلام)، موسی (علیه السلام) و عیسی (علیه السلام) بیان شده است. آیه ۵۷ سوره مریم در مورد حضرت ادريس (علیه السلام) است و بیان می‌کند که خداوند او را به مقام والایی رساند.

این غرض در سیاقی بدیع و بسیار جالب ریخته شده است، نخست به داستان زکریا و یحیی و قصه مریم و عیسی و سرگذشت ابراهیم و اسحاق و یعقوب و ماجرای موسی و هارون و داستان اسماعیل و حکایت ادريس و سهمی که به هر یک از ایشان از نعمت ولایت داده - که یا نبوت بوده و یا صدق و اخلاص - اشاره کرده، آن گاه علت این عنایت را چنین بیان فرموده که این بزرگواران خصلت‌های برجسته‌ای داشته‌اند از آن جمله نسبت به پروردگارشان خاضع و خاشع بودند که شایسته این مقام شدند. این عبارت نشان‌دهنده جایگاه معنوی و روحانی والایی است که خداوند به پیامبران و بندگان

برگزیده‌اش عطا می‌کند. این مکان بلند، به مقام نبوت، درجه قرب الهی و یا بهشت تعبیر شده است. برخی از مفسران نیز این آیه را ناظر به عروج عیسی مسیح (علیه السلام) به آسمان می‌دانند.

مقاله حاضر با هدف تبیین تحلیل تفسیری «مَكَانًا عَلِيًّا» با محوریت آیه ۵۷ سوره مریم پاسخگوی سوالات زیر است:

- تحلیل تفسیری «مَكَانًا عَلِيًّا» در بعد مکان با محوریت آیه ۵۷ سوره مریم چیست؟
- تحلیل تفسیری «مَكَانًا عَلِيًّا» در بعد مقام با محوریت آیه ۵۷ سوره مریم چیست؟

در زمینه تحلیل تفسیری عبارت «مَكَانًا عَلِيًّا» در قرآن کریم با محوریت آیه ۵۷ سوره مریم کتاب یا مقاله‌ای با این عنوان یافت نشد به جز کتب تفسیری از جمله «تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن»؛ نوشته محمد حسین طباطبایی که در سال (۱۳۷۸) در انتشارات امیر کبیر چاپ رسیده است. علامه طباطبایی، در تفسیر سترگ خود، «المیزان»، رویکردی فلسفی، عرفانی و روایی را در پیش گرفته و به تفسیر «مَكَانًا عَلِيًّا» از منظری عمیق می‌نگرد. ایشان معتقدند که این عبارت، صرفاً به معنای یک مکان فیزیکی و جغرافیایی مرتفع نیست، بلکه دلالت بر مقام و منزلت معنوی بسیار رفیعی دارد که حضرت ادریس (علیه السلام) به واسطه کمالات روحی، قرب الهی و علم لدنی خود بدان دست یافته است. «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»؛ نوشته فضل بن حسن طبرسی در سال (۱۳۸۴) در انتشارات ناصر خسرو به چاپ رسیده است. طبرسی، «مَكَانًا عَلِيًّا» را به منزلتی برجسته در نزد خدا و اعتلای شأن دنیوی و اخروی تعبیر می‌کنند که ریشه در اعمال نیک و جایگاه معنوی ایشان دارد. بر همین اساس تحقیق حاضر در صدد است به تحلیل تفسیری «مَكَانًا عَلِيًّا» در بعد مکان و مقام با محوریت آیه ۵۷ سوره مریم بپردازد.

## ۱- مفهوم مکانا علیا

مکان در لغت به معنای «مکان والا» یا «مقام بلند» است. عَلِيّ صیغه مبالغه است. این عبارت در قرآن کریم، به خصوص در سوره مریم آیه ۵۷، به کار رفته است.<sup>۱</sup> مکانا علیا در اصطلاح مفسرین غالباً به معنای مکان و منزلت است نه مکان‌های مادی.<sup>۲</sup>

## ۲- تحلیل تفسیری عبارت «مَکَانًا عَلِيًّا» در بعد مکان در با محوریت آیه ۵۷

### سوره مریم

عبارت «مَکَانًا عَلِيًّا» در آیه ۵۷ سوره مریم به ارتقاء جایگاه و مقام حضرت ادریس (علیه السلام) اشاره دارد. این مکان، جایگاهی است که خداوند به جهت فضیلت و مقام برجسته آن حضرت، ایشان را به آن مکان برده است، که نشان‌دهنده تکریم و منزلت ویژه ایشان نزد پروردگار است. به عبارت دیگر، حضرت ادریس (علیه السلام) به دلیل حکمت، علم و هدایتی که داشته، توانسته است جایگاه ممتازی در بین مردم کسب کند و از این طریق، تأثیرات مادی نیز داشته باشد که قرآن کریم به آن‌ها پرداخته است از جمله:

### ۲-۱- عروج جسمانی به آسمان

مقصود از معراج جسمانی این است که پیامبر با همین بدن، این کره خاکی را ترک گفت، اما از عوالم جسمانی بیرون نرفت و تمام گفت و شنود او در جهان اجسام و ماده بوده است. در این صورت معراج در وضع پیامبر جز تغییر مکان زندگی، اثر دیگری ننهاد، اگر جسم و ماده مانع از ارتباط در این جهان است این شرایط در معراج نیز محفوظ بود.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۵۸۳.

<sup>۲</sup>. طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۳۲۶.

<sup>۳</sup>. سبحانی، اصالت روح از نظر قرآن ج ۱، ص ۱۲۳.

معراج به عروج پیامبر اسلام از مسجد الاقصی به آسمان‌ها گفته می‌شود. به نقل از منابع اسلامی، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در شبی، از مکه به مسجد الاقصی انتقال یافت و از آنجا به آسمان عروج کرد.<sup>۱</sup>

روایاتی که به موضوع معراج پرداخته‌اند، به روشنی از عروج پیامبر (صلی الله علیه وآله) سخن می‌گویند و تنها در بیان جزئیات با یکدیگر تفاوت دارند. از مجموعه این روایات بر می‌آید که پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) در سفری آسمانی از مسجد الحرام به مسجد الاقصی رفته و میان راه، همراه جبرئیل به مدینه نزول کرده و در آنجا نماز گزارده است. روایات زیادی نیز در این مورد وجود دارد که در اینجا به دو روایت اکتفا می‌کنیم؛ امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید: «مَنْ كَذَّبَ بِالْمِعْرَاجِ فَقَدْ كَذَّبَ رَسُولَ اللَّهِ»؛ کسی که معراج را تکذیب کند، رسول الله را تکذیب کرده است.

شفاف‌ترین آیه درباره معراج پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) آیه اول سوره اسراء است. خداوند در این آیه می‌فرماید: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ»<sup>۲</sup>؛ منزّه است آن [خدایی] که بنده‌اش را شبانگاهی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی - که پیرامون آن را برکت داده‌ایم - سیر داد، تا از نشانه‌های خود به او بنمایانیم، که او همان شنوای بیناست.

آیه شریفه در واقع از سفر شبانه پیامبر (صلی الله علیه وآله) از «مسجد الحرام» به سوی «مسجد اقصی» (بیت المقدس) که مقدمه‌ای برای معراج بوده است سخن می‌گوید، این سفر که در یک شب و مدت کوتاهی صورت گرفت حداقل در شرایط آن زمان از طرق عادی به هیچ وجه امکان‌پذیر نبود و جنبه اعجاز آمیز و کاملاً خارق‌العاده داشت.<sup>۴</sup>

۱. علامه طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷، ج ۱۳، ص ۸ تا ۳۴؛ قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۲ تا ۱۳.

۲. صدوق، صفات الشیعه، ص ۵۰.

۳. اسراء: ۱.

۴. مکارم شیرازی، برگزیده تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۶۱۷.

دیگر، «مَكَانًا عَلِيًّا» در دنیا، نوعی پیش‌درآمد و نشانه‌ای از پاداش اخروی است. هرچه «مَكَانًا عَلِيًّا» رفیع‌تر و ارزشمندتر باشد، درجه بهشتی نیز بالاتر و پرفضیلت‌تر خواهد بود. بنابراین، تلاش برای رسیدن به «مَكَانًا عَلِيًّا» در دنیا، در واقع تلاشی برای کسب درجات عالی بهشت در آخرت است و ارتباطی مستقیم و تنگاتنگ بین این دو مفهوم وجود دارد.

### ۳-۴- عرش الهی

منظور از عرش الهی قدرت خداوند است. بعضی بر این باورند که عرش خداوند کنایه از علم بی‌پایان پروردگار است. برخی عرش را به مالکیت و حاکمیت خداوند تفسیر کرده‌اند. بعضی از بزرگان، عرش الهی را کنایه از تمامی صفات کمالیه و جلالیه او دانسته‌اند، چرا که هر یک از اوصاف، بیانگر عظمت مقام خداوند است.<sup>۱</sup>

امام خمینی (رحمه الله علیه) در بیان حقیقت عرش در نگاه عرفانی معتقد است، عرش محل اقتدار و سلطنت فیض مقدس است که محل سلطنت اسم اعظم می‌باشد و اختلاف ظاهر اخبار در معنای عرش را به تعدد معانی عرش بازمی‌گرداند. ایشان معانی دیگری نیز برای عرش ذکر می‌کند؛ از جمله: ما سوی الله، علم فعلی، علم قضایی، جسم کل، مجموعه عالم و فیض منبسط. ایشان قلب مؤمن را نیز عرش رحمان می‌داند که توجه و محبت به غیر حق تعالی ندارد.<sup>۴</sup>

در قرآن کریم، مفهوم «عرش الهی» به عنوان جایگاه استقرار و احاطه علمی و اقتدار مطلق خداوند بر کل خلقت مطرح می‌شود. در مقابل، «مکانت والا» یا «علیین» به بهشت برین و جایگاه رفیع و متعالی برای انسان‌های کامل، صادقین، شهدا و بندگان صالح خدا اطلاق می‌گردد. در قرآن کریم ارتباط میان این دو در این است که علیین، جلوه‌ای از قرب و نزدیکی به خداوند و قرار گرفتن در سایه رحمت و اقتدار اوست که از جایگاه بلند و متعالی عرش الهی نشأت می‌گیرد:

---

۱. جمعی از نویسندگان، دانشنامه امام هادی علیه السلام، ج ۱، ص ۷۸۴.

۲. موسوی خمینی، آداب الصلاة، ص ۲۷۳.

۳. موسوی خمینی، تقریرات فلسفه امام خمینی، ج ۲، ص ۵۴۷.

۴. موسوی خمینی، شرح چهل حدیث، ص ۴۸۰.

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ! در حقیقت، پروردگار شما آن خدایی است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید؛ سپس بر عرش [جهانداری] استیلا یافت. روز را به شب - که شتابان آن را می طلبد- می پوشاند، و [نیز] خورشید و ماه و ستارگان را که به فرمان او رام شده اند [پدید آورد]. آگاه باش که [عالم] خلق و امر از آن اوست. فرخنده خدایی است پروردگار جهانیان.

«عَرْش» هنگامی که در مورد خدا به کار می رود، به معنای مجموع جهان هستی است که در حقیقت هم چون تخت حکومت پروردگار است؛ و تعبیر «سپس بر تخت تسلط یافت» کنایه از تسلط زمامدار بر امور کشور خویش و تدبیر آنهاست؛ همان طور که در فارسی نیز تعبیر «بر تخت نشستن» کنایه از دست گرفتن قدرت و حاکمیت و تدبیر امور است. آیه شریفه هیچ ربطی به «جسم بودن خدا» ندارد، بلکه کنایه از احاطه کامل و تسلط و تدبیر او در جهان هستی است. در برخی احادیث نیز به این مطلب اشاره شده است.<sup>۲</sup>

بنابراین ارتباط دو مفهوم عرش الهی و «مکانا علیا» در این است که جایگاه والای بندگان، انعکاسی از قرب و نزدیکی آنها به درگاه الهی و قرار گرفتن در قلمرو فیض و رحمت پروردگار است که منشأ آن عرش الهی است. به عبارت دیگر، مکانت والا در جهان بینی قرآنی، تجلی رحمت و توجه خاص خداوند است که از جایگاه متعالی او (عرش) بر بندگان شایسته افاضه می شود و این تقرب، نشان دهنده اوج کمال و کرامت انسانی در سایه بندگی و اطاعت از اوامر الهی است.

<sup>۱</sup>. اعراف: ۵۴.

<sup>۲</sup>. رضائی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، ج ۷، صص ۱۱۴-۱۱۵.

## نتایج

نتایج تحقیق حاضر با عنوان «تحلیل تفسیری «مَكَاناً عَلِيّاً» با محوریت آیه ۵۷ سوره مریم» عبارتند از:

تحقیق حاضر با تمرکز بر آیه ۵۷ سوره مریم و تعبیر «مَكَاناً عَلِيّاً» به بررسی تفسیری این عبارت در بستر آیات قرآن و منابع تفسیری پرداخته و به این نتیجه دست یافته است که مراد اصلی از این تعبیر، جایگاه بلند معنوی و مقامی حضرت ادریس (علیه السلام) نزد خداوند متعال است، نه صرفاً مکانی فیزیکی یا عروجی ظاهری.

اگرچه برخی مفسران احتمال داده‌اند که این تعبیر به عروج جسمانی اشاره دارد، اما اکثریت مفسران، به‌ویژه در میان مفسران شیعه، بر این باورند که «مَكَاناً عَلِيّاً» ناظر به مقامی معنوی، مرتبه‌ای از قرب الهی، و جایگاه رفیع نبوت و صدق است که تنها به بندگان خاص الهی اعطا می‌شود. حضرت ادریس (علیه السلام) به‌عنوان پیامبری صادق، عالم، و خاشع، شایستگی دستیابی به چنین جایگاهی را داشته و این تعبیر گویای ارزشیابی الهی از شخصیت و عملکرد اوست.

این پژوهش با تحلیل تطبیقی میان آیه ۵۷ سوره مریم و آیات مرتبطی مانند آیه ۱ سوره اسراء (معراج پیامبر)، آیه ۱۵۸ سوره آل عمران (در باب درجات مؤمنان)، و آیات مربوط به درجات بهشت و عرش الهی، نشان می‌دهد که «مَكَاناً عَلِيّاً» یک ساختار معنایی فرازمانی و فرامکانی در قرآن است که هم در دنیا و هم در آخرت، بیانگر تعالی روح و کرامت انسان در پرتو ایمان، عبودیت و ولایت است. در نگاه عرفانی و فلسفی نیز این جایگاه به عنوان نقطه اوج تقرب انسان به افق احدیت و مقام فنا در ذات الهی تفسیر شده است. از این منظر، مکان علیاً صرفاً جایگاهی برای پیامبران خاص نیست، بلکه الگویی است برای هر انسانی که بخواهد با تهذیب نفس، صدق در عمل، و اخلاص در ایمان، مسیر تعالی و قرب را طی کند. بنابراین، «مَكَاناً عَلِيّاً» در آیه ۵۷ سوره مریم را باید تجلی‌گاه مفهوم انسان کامل در قرآن دانست؛ انسانی که با عبور از مراتب طبیعت و ماده، به حقیقت معنوی خود دست می‌یابد و به قرب خاص الهی می‌رسد. این جایگاه نه تنها پاداشی اخروی است، بلکه نشانه‌ای از رضایت خداوند از عبد صالح خود و نمادی از شکوه مقام عبودیت در فرهنگ قرآن است.

## منابع

### • قرآن کریم

۱. ابن منظور، محمد، لسان العرب، بیروت : دارصادر، بی چا، ۱۴۱۴.
۲. جمعی از نویسندگان، دانشنامه امام هادی علیه السلام (جمعی از نویسندگان) ، تهران: پایگاه تخصصی عاشورا، بی چا، بی تا.
۳. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، قم : اسراء، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد ، المفردات فی غریب القرآن، تهران: موسسه الصادق، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۵. رضایی اصفهانی، محمدعلی، تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن، چاپ اول، ۱۳۸۷ ه.ش.
۶. سبحانی ، شیخ جعفر، اصالت روح از نظر قرآن ، قم: موسسه امام صادق (ع)، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
۷. صدوق، محمد بن علی، صفات الشیعه، تهران: موسسه امام صادق، بی چا، بی تا.
۸. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات ، چاپ دوم، ۱۳۹۰ ه.ق.
۹. \_\_\_\_\_، ترجمه تفسیر المیزان، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ه.ش.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو چاپ سوم، ۱۳۷۲ ه.ش.
۱۱. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی ، چاپ اول، بی تا.
۱۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم : دار الکتب، چاپ سوم ، ۱۳۶۳ ه.ش.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، قم: دار الثقلین، چاپ چهارم، ۱۳۹۴ ه.ش.

۱۴. محمدتقی مصباح یزدی، **خودشناسی برای خودسازی**، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۱۵. مطهری، مرتضی، **آشنایی با قرآن**، تهران: صدرا، بی چا، ۱۳۸۹.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، **برگزیده تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۲ ه.ش.
۱۷. موسوی خمینی، سید روح الله، **آداب الصلاة**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی چا، ۱۳۸۸.
۱۸. \_\_\_\_\_، **تقریرات فلسفه امام خمینی**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی چا، ۱۳۸۵.
۱۹. \_\_\_\_\_، **شرح چهل حدیث**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی چا، ۱۳۸۸.
- مقاله**
۲۰. محمدتقی مصباح یزدی، **"جستاری در مفهوم و گستره ولایت"**، مجله معرفت، شماره ۱۸۱، ۱۳۹۱.